



Relationship Between Human Intelligence and Personality Traits of Accountants Working in Iranian Audit Institution

Fereshteh Rahimi¹, Khadijeh Ebrahimi kahrizsangi², Arezoo Aghaei Chadegani³

Received: 2024/02/11

Accepted: 2024/03/18

Research Paper

Extended Abstract

Background and Purpose: Human intelligence is one of humans' important and distinct characteristics, including mental and cognitive abilities. This type of intelligence includes abilities such as logical reasoning, solving complex problems, creativity, memory and learning intelligent activities. In fact, human intelligence is evident greatly from the superiority of humans over other creatures due to cognitive abilities. Human intelligence can have a significant effect on personality traits and their performance. An auditor with high human intelligence is able to logically and accurately analyze financial information, manage resources and examine risks, and weaknesses, and strengths of financial information. Additionally, human intelligence enables them to distinguish between impersonation and fraud and to determine the veracity and reliability of assertions with greater accuracy. This study aims to investigate the effect of human intelligence on the personality characteristics of auditors.

Methodology : This research is a descriptive-correlation type. The present research is classified based on the purpose of applied research. The statistical population of this research is all certified accountants working in audit institutions, which according to the latest statistics of certified accountant community, their number is 2710, and based on Cochran's sampling formula, 336 auditors responded to the questionnaire. The sampling method in this research was stratified random sampling, and data were collected by field method. The data collection tool from Walter McKenzie Multiple Intelligences Questionnaire (MII) includes 90 questions. The questionnaire of multiple intelligences evaluates the components of naturalistic intelligence, musical intelligence, logical-mathematical intelligence, ontological intelligence, interpersonal intelligence, verbal intelligence, intrapersonal intelligence and moral intelligence, and five-factor personality questionnaire includes 60 questions, which is taken from the research of McCrea Costa (1991). This questionnaire consists of the following components: neuroticism, extroversion, experientiality, agreeableness, and conscientiousness. These components were measured using the Likert scale in this study. To collect information,

1. PhD Student Department of Accounting, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Email: (fereshterahimi.92@gmail.com)

2. Assistant Professor Department of Accounting, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

(Corresponding Author)(ebrahim641@yahoo.com)

3. Assistant Professor Department of Accounting, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

(arezooaghaei@phu.iaun.ac.ir)



and using face validity, and the opinions of professors and experts in this area, the validity of the questionnaire was confirmed. To determine the reliability of the questionnaire of different research variables, the Cronbach's alpha method was used, and the results of the average Cronbach's alpha for the questions related to each variable were calculated as 0.787. This study used structural equation modeling to examine the interrelationships among the model's components, and confirmatory factor analysis was conducted using the partial least squares approach.

Findings: In this research, Kolmogorov-Smirnov test was used to test the normality of data. If the data distribution is normal, inferential statistical tests can be used. To check the normality of the data, the null hypothesis is based on the fact that the distribution of the data is normal. This test is tested at 5% error level. If a larger significance value equal to the error level of 0.05 is obtained, there will be no reason to reject the null hypothesis. The structural equation method was used to test the hypotheses, and each variable in the structural equation model system can be considered both endogenous and exogenous.

Discussion: To check the normality of the data, the null hypothesis is based on the fact that the distribution of the data is normal. Based on the data analysis, the research results indicate that the effect of naturalistic intelligence on personality traits is significant with conscientiousness, but not with personality traits (neuroticism, extroversion, experientiality and agreeableness). Agreeableness is significant on personality traits, but it is not significant with personality traits (neuroticism, extroversion, experientiality, conscientiousness, being conscientious) is meaningful. The effect of ontological intelligence on personality traits (experientiality and agreeableness) is significant, but it is not significant with personality traits (neuroticism, extroversion and conscientiousness, agreeableness and conscientiousness) was confirmed, but not with the personality trait of extroversion, the effect of verbal intelligence on personality traits (neuroticism, agreeableness, conscientiousness and extroversion) is significant, but with the personality trait of experience, agreeableness is not significant, the effect of intrapersonal intelligence on personality traits (neuroticism and agreeableness) is significant, but not on personality traits (extroversion, agreeableness, and conscientiousness). The relationship between moral intelligence and extroversion was not significant, despite the confirmation of the effect of moral intelligence on personality traits (neuroticism, agreeableness, and conscientiousness).

Keywords: Multiple Intelligences, Personality Traits, Naturalistic Intelligence, Verbal Intelligence, Moral Intelligence, Musical Intelligence, Ontological Intelligence

JEL Classification: M42; M04



بررسی رابطه بین هوش انسانی و ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان

فرشته رحیمی^۱، خدیجه ابراهیمی کهریزسنگی^۲، آرزو آقائی چادگانی^۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

چکیده

تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه بین هوش انسانی و ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان صورت گرفته است. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش اجرا به صورت توصیفی-همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه حسابداران رسمی مشغول به کار در مؤسسه‌های حسابرسی است که بر اساس آمار جامعه حسابداران رسمی، تعداد آن‌ها برابر با ۲۷۱۰ نفر است. با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده و با توجه به فرمول کوکران، ۳۳۶ حسابرسان به پرسش‌نامه پاسخ دادند. برای سنجش متغیرهای تحقیق، از پرسش‌نامه استاندارد استفاده شد. برای سنجش روایی پرسش‌نامه، از نظر اساتید و خبرگان در این حوزه استفاده گردید. علاوه بر این، برای آزمون اعتبار پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد و عدد ۰/۷۸۷ به دست آمد. در این تحقیق، برای بررسی روابط بین اجزاء از مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی استفاده شد. با توجه به تحلیل داده‌ها، نتایج پژوهش حاکی از آن است که تأثیر هوش طبیعت‌گرا بر ویژگی‌های شخصیتی با وجدان بودن معنی‌دار است اما با ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری و توافق‌پذیری) معنی‌دار نیست، تأثیر هوش موسیقایی بر ویژگی‌های شخصیتی توافق‌پذیری معنی‌دار است اما با ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، با وجدان بودن) معنادار نیست، تأثیر هوش منطقی ریاضی بر ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری، با وجدان بودن) معنی‌دار است. تأثیر هوش هستی‌شناسی بر ویژگی‌های شخصیتی (تجربه‌پذیری و توافق‌پذیری) معنی‌دار است اما با ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری، برون‌گرایی و با وجدان بودن) معنی‌دار نیست، تأثیر هوش میان‌فردی بر ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و با وجدان بودن) مورد تأیید قرار گرفت اما با ویژگی شخصیت برون‌گرایی مورد تأیید قرار نگرفت، تأثیر هوش کلامی بر ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری، توافق‌پذیری، با وجدان بودن و برون‌گرایی) معنی‌دار است اما با ویژگی شخصیتی تجربه‌پذیری معنی‌دار نیست، تأثیر هوش درون‌فردی بر ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری و تجربه‌پذیری) معنی‌دار است اما با ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی، توافق‌پذیری و با وجدان بودن) معنی‌دار نبود. تأثیر هوش اخلاقی بروی‌ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و با وجدان بودن) تأیید شد. اما رابطه هوش اخلاقی با برون‌گرایی معنی‌دار نبود.

کلمات کلیدی: هوش‌های چندگانه، ویژگی‌های شخصیتی، هوش طبیعت‌گرا، هوش کلامی، هوش اخلاقی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42 ; M04

- ۱- دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (fereshtehrahimi.92@gmail.com)
- ۲- استادیار گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول) (ebrahimi641@yahoo.com)
- ۳- استادیار گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (arezooaghaei@phu.iaun.ac.ir)



مقدمه

هر چند از آغاز تمدن تا کنون، آدمی درباره ماهیت هوش و اهمیت آن فراوان اندیشیده است، اما باید اذعان داشت که مطالعه علمی هوش از اواخر قرن ۱۹ آغاز شد. چارلز داروین^۱ (۱۸۶۰) نظریه تکامل گونه‌ها را مطرح کرد. وی همچنین در مورد ویژگی‌های روان‌شناختی مثل خصوصیات عقلانی و احساسی نیز کنجکاو بود. چندی نگذشت که وی روی گروه‌های انسانی (مثل نوزادان، کودکان، بزرگسالان، کندذهن‌ها و تیزهوشان) شروع به مطالعه کرد اما مطالعات وی بیشتر به صورت نظری بود (گاردنر^۲، ۲۰۱۱). هوش انسانی یکی از ویژگی‌های مهم و بارز انسان‌ها است که توانایی‌های ذهنی و شناختی را شامل می‌شود. این نوع هوش، توانایی‌هایی همچون استدلال منطقی، حل مسائل پیچیده، خلاقیت، حافظه و یادگیری فعالیت‌های هوشمندانه را شامل می‌شود. در واقع، هوش انسانی به اندازه بسیار زیادی از برتری انسان نسبت به بقیه موجودات در جهت توانایی‌های شناختی آشکار است. در روان‌شناسی نظریه‌های متعددی در زمینه شناخت و اندازه‌گیری هوش وجود دارد که یکی از مشهورترین و معتبرترین آزمون‌ها هوش چندگانه گاردنر است که شامل موسیقی و ریتم^۳، دیداری - فضایی^۴، کلامی - زبانی^۵، منطقی - ریاضی^۶، بدنی - جنبشی^۷، بین‌فردی^۸، درون‌فردی^۹، طبیعت‌گرایی و درک طبیعت^{۱۰} می‌باشد. البته هوش هشتم طبیعت‌گرایی با کمی تأخیر به مدل هفت‌گانه قبلی اضافه شد و مدل هوش هشت‌گانه را شکل داد (والنساری و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۲). الگوی هوش چندگانه گاردنر^{۱۲} بعدها تکمیل‌تر شد و او پیشنهاد کرد که هوش وجودی^{۱۳} و هوش اخلاقی^{۱۴} هم به فهرست هوش‌های چندگانه اضافه شوند و به این ترتیب مدل هوش‌های ده‌گانه شکل گرفت. گاردنر (۲۰۰۴) معتقد بود که تمام افراد از تمامی انواع هوش بهره‌مند هستند و می‌توانند آن‌ها را به سطح مناسبی از توانایی برسانند و این انواع هوش به شکل پیچیده‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند.

شخصیت به‌طور کلی به الگوی پایداری و استحکام در رفتارها، نگرش‌ها و خصوصیات فردی اشاره دارد. این مفهوم در روان‌شناسی به مجموعه ویژگی‌ها، الگوها و خصوصیات اطلاق می‌شود که شخص نسبت به خود و دیگران به نمایش می‌گذارد (مایر و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۳). شخصیت به‌عنوان یک ساختار پایه بنیادی شامل ویژگی‌هایی همچون تفکر، عاطفه و رفتار در یک فرد تعریف می‌شود. این ویژگی‌ها معمولاً پایدار و استمراری هستند و در طول زمان بر اساس تجربه‌ها و تعاملات فرد شکل می‌گیرند. برخی از رویکردهای مشهور در توصیف شخصیت مدل پنج‌گانه شخصیتی است. ویژگی‌های شخصیتی از موضوع‌های مورد بحث در هر حرفه‌ای است. شخصیت را شاید بتوان اساسی‌ترین موضوع علم روان‌شناسی دانست، زیرا محور بحث در زمینه‌هایی مانند انگیزش، ادراک، تفکر، عواطف، احساسات و ... است. همان‌طور که ادراک عامل مهمی در تصمیم‌گیری می‌باشد، شخصیت نیز در این امر دخیل است.

-
1. Charles Robert Darwin
 2. Gardner
 3. Musical - Rhythmic
 4. Visual - Spatial
 5. Verbal - Linguistic
 6. Logical - Mathematical
 7. Bodily - Kinesthetic
 8. Interpersonal
 9. Intrapersonal
 10. Naturalistic
 11. Wulansari et al.
 12. Gardner
 13. Existential
 14. Moral
 15. Meyer et al.

با توجه به اینکه تأثیر شخصیت در رفتاری که از فرد بروز پیدا می‌کند، غیر قابل انکار است و وجود تفاوت‌های شخصیتی در حساب‌برسان، می‌تواند انتظار داشت که بین متغیرهای هوش، ویژگی‌های شخصیتی رابطه وجود داشته باشد. هوش انسانی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد آن‌ها داشته باشد. یک حساب‌برس با هوش انسانی فراوان قادر است به‌طور منطقی و دقیق تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی، مدیریت منابع و بررسی ریسک‌ها و نقاط ضعف و قوت اطلاعات مالی باشد. همچنین، هوش انسانی به آن‌ها کمک می‌کند تا در کشف تقلب و تقلیدی را با دقت بررسی کنند و تصمیم‌های دقیق‌تری دربارهٔ صحت و قابل اعتماد بودن اظهارنامه‌ها اتخاذ کنند. با توجه به اهمیت هوش انسانی و ویژگی‌های شخصیتی حساب‌برسان، مطالعات زیادی در این زمینه در جوامع مختلف انجام شده است، با توجه به دانش به‌دست‌آمده از مطالعات منابع تئوریک موجود، مطالعات کمی در زمینه تأثیر هوش انسانی بر ویژگی‌های شخصیتی حساب‌برسان متمرکز شده است (زیسمن و گانزاج، ۲۰۲۳). با شناسایی خلأ تحقیقاتی هدف از این مطالعه، بررسی رابطهٔ بین هوش انسانی و ویژگی‌های شخصیتی حساب‌برسان با استفاده از معادلات ساختاری است. بررسی‌های انجام شده، نشان می‌دهد اغلب مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته یا به‌صورت مستقل بوده است یا ترکیبی از دو یا سه متغیر، اما پژوهشی که این عنوان را در بین حساب‌برسان انجام داده باشد، صورت نگرفته است که بیانگر خلأ تئوریک و تجربی مهم در این حوزه می‌باشد. لذا این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که هوش هشت‌گانهٔ حساب‌برسان چه تأثیری بر ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها دارد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظریهٔ هوش چندگانه، شیوه‌های جدیدی را برای افراد متفاوت فراهم می‌کند تا اینکه آن‌ها فرصت‌هایی را برای یادگیری از طریق رویکردی که مناسب آن‌هاست به دست آورند (ایندریا، ۲۰۲۰). هوارد گاردنر (۱۹۸۳) سال‌ها صرف تحقیق در مورد تفکر و یادگیری انسان کرده است. او معتقد است که همهٔ افراد توانایی‌های مختلف یا روش‌های متفاوتی برای باهوش بودن دارند و این ظرفیت‌های مختلف را "هوش‌های چندگانه" می‌نامد. گاردنر توانایی‌های شناختی انسان را به هفت و سپس به هشت طبقه تقسیم کرد که عبارتند از:

- ۱) از کلامی - زبانی: توانایی استفاده از کلمات و زبان و مهارت‌هایی مانند گوش دادن، حرف زدن، توضیح دادن.
- ۲) منطقی - ریاضی: توانایی استدلال، منطق و کار با اعداد، کنجکاوی، پرسشگری و آزمایشگری.
- ۳) فضایی - دیداری: درک مفاهیم از طریق تصویرهای کلامی، نمودارها، اشکال هندسی، عکس‌ها، نقشه‌ها و نقاشی و فیلم.
- ۴) موسیقایی - ریتمی: یادگیری بهتر مفاهیم با نظم و آهنگ، شعر و موسیقی.
- ۵) حرکتی - جنبشی: توانایی استفاده از بدن یا قسمت‌هایی از بدن برای حل مشکلات و یادگیری بیشتر در هنگام ساختن یا ایجاد کردن.
- ۶) درون‌فردی: داشتن درک درستی از خود و تسلط بر نقاط قوت، ضعف، روحیه، اهداف و انگیزه‌های خود.
- ۷) میان‌فردی: توانایی درک انگیزه‌ها، اهداف و خواسته‌های دیگران و تعامل بهتر با آن‌ها، یادگیری بیشتر همراه با دیگران و با بحث و گفتگو.

۸) طبیعت‌گرا: توانایی تشخیص و طبقه‌بندی اشیاء یادگیری از طریق طبقه‌بندی‌ها، دسته‌ها و سلسله‌مراتب (به نقل از مهدوی ظفرقندی و امین،^۱ ۲۰۱۹).

شخصیت مفهوم پیچیده‌ای است که تعریف خاصی از آن در حوزه روان‌شناسی وجود ندارد. شخصیت مجموعه‌ای از خصوصیات درون فرد است که برای تأثیرگذاری بر اعتقادات، انگیزه‌ها، احساسات، رفتارها و حتی محیط شکل گرفته است. ویژگی‌های شخصیت به ساختار پویایی درون فردی هر شخص اشاره دارد که مشتمل بر علل وراثتی و اجتماعی می‌باشد. این مؤلفه‌ها رفتار و افکار شخصی فرد را در محیط اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهند (اسمیت و همکاران^۲، ۲۰۱۹؛ چن و همکاران^۳، ۲۰۲۳). علم روان‌شناسی بیان می‌کند که، نظریه صفت (تئوری ویژگی شخصیتی) رویکردی برای مطالعه شخصیت انسان است. نظریه پردازان صفات در درجه اول به اندازه صفات علاقه‌مند هستند که می‌تواند به عنوان الگوهای عادت رفتاری در اندیشه و هیجانات تعریف شود. مطابق این دیدگاه، صفات جنبه‌هایی از شخصیت است که در گذر زمان نسبتاً پایدار و از فردی به فرد دیگر متفاوت است و بر رفتار تأثیر می‌گذارد. برای تعریف صفات دو رویکرد وجود دارد: به عنوان خصوصیات علی درونی و یا خصایصی تماماً توصیفی. طبق تعریف علی درونی، صفات بر رفتارهای ما تأثیر می‌گذارند و ما را به سمت انجام کارهایی در راستای آن سوق می‌دهند. در تعریف دیگر، صفات به‌عنوان خلاصه توصیفی از اقدامات ما هستند که سعی در اثبات علیت ندارند و به طبقه‌بندی روان‌شناختی انواع مختلف افراد اشاره دارد (کرن و همکاران^۴، ۲۰۱۹).

یکی از مدل‌های شخصیت، مدل پنج‌عاملی نئو است که نخستین بار آلپورت و ادوورت (۱۹۳۶) در قالب ۳۵ عامل آن را تدوین کرد. نظریه پنج‌عاملی گلدبرگ (۱۹۸۱) زیرمجموعه نظریه‌های شخصیت‌شناسی صفاتی است که توسط مک کری و کاستا (۱۹۹۰) توسعه یافت و مدل پنج‌عاملی (FFM) و پرسش‌نامه نئو را طراحی نمودند. مدل پنج‌عاملی، تمایز بین گرایش‌های اصلی (توانایی‌های روان‌شناسی انتزاعی) و سازگاری یا انطباق شخصیت (واقعیت این توانایی‌ها) و مبتنی بر نظریه صفت است. نظریه پنج‌عاملی شامل ویژگی‌های شخصیتی باثبات است، نه الگوهای رفتار یا طرح‌ها، مهارت‌ها و خواسته‌هایی که منجر به رفتارهای متأثر از محیط می‌باشد. اختلافات فردی باعث تفاوت‌های رفتاری شده که سرچشمه آن شخصیت آدمی است (البوات و همکاران^۵، ۲۰۲۱). پنج بعد اصلی شخصیت بنا به گفته نئو عبارتند از: روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری، باوجدان بودن.

روان‌رنجوری: افراد روان‌رنجور از لحاظ هیجانی حساس هستند، به راحتی ناراحت و مضطرب می‌شوند. اما افرادی که کمتر ویژگی روان‌رنجور دارند حتی تحت شرایط دشوار و پرتنش نیز آرام و مطمئن هستند و هیجانات منفی کمی را تجربه می‌کنند.

برون‌گرایی: برون‌گراها معمولاً پرهیجان، پرحرف، اجتماعی و قاطع هستند و هیجانات خود را به راحتی ابراز می‌کنند. این افراد از محیط‌های اجتماعی و با بودن در جمع انرژی می‌گیرند.

تجربه‌پذیری: افرادی که نسبت به تجربه‌کردن پذیرش زیادی دارند، تمایل فراوانی برای انجام کارهای جدید و یادگیری چیزهای جدید از خود نشان می‌دهند. همچنین دایرل‌علاق آن‌ها گسترده است. درباره جهان و افراد دیگر کنجکاو هستند و نسبت به فرهنگ‌ها و سنت‌های ناآشنا روی خوش نشان می‌دهند.

با وجدان بودن: افرادی که وجدان زیادی دارند، با ملاحظه هستند، می‌توانند خودشان را کنترل کنند و رفتارهایشان معمولاً هدفمند است. منظم، دقیق و اهل برنامه‌ریزی هستند و نتیجه رفتارهای خودشان بر دیگران را مدنظر قرار می‌دهند.

توافق‌پذیری: افرادی که توافق‌پذیری زیادی دارند، کمک‌کننده، مهربان، دست و دلباز و دلسوز هستند، همچنین فرض را بر این می‌گذارند که دیگران نیت خوبی دارند (واتسون و همکاران، ۲۰۱۹).

نقش، وظیفه و مسئولیت حسابرسان حرفه‌ای در قبال جامعه، صاحبان سرمایه و دیگر اشخاص ذی‌حق و ذی‌نفع، ایجاب می‌کند که آنان به مباحث روان‌شناختی توجه ویژه نشان دهند (کوهن و همکاران، ۲۰۱۳). حسابرسان در هر کار حسابرسی، ویژگی‌های فردی خود را به کار می‌گیرند و محدودیت‌های شناختی منجر به انحراف قضاوت‌های آنان می‌شود و ویژگی‌های فردی و روان‌شناسی افراد یکی از عوامل تأثیرگذار بر قضاوت حسابرسان می‌باشد. تحقیقات نشان داده است که حسابرسان طی فرایند حسابرسی، واکنش‌های احساسی گوناگونی نسبت به صاحبکار (به عنوان مثال حس خوش‌بینی نسبت به صاحبکار) یا هر یک از عناصر مربوط به محیط کاری نشان می‌دهند که این امر، در ادامه سبب خطا در قضاوت حرفه‌ای وی می‌شود. حسابداران مسئولیت حساس و دشواری در تفسیر مبادلات و ارائه آن‌ها به شکل گزارش‌های مالی که قابل استفاده برای گروه‌های ذی‌نفع جهت ارزیابی عملکرد شرکت‌ها باشد برعهده دارند، بنابراین انجام اعمال غیراخلاقی شامل ارائه اطلاعات مالی با کیفیت نامطلوب می‌تواند اعتماد عموم را به حسابداران از بین ببرد و به حیثیت کل حرفه حسابرسی لطمه وارد کند (رجپال و همکاران، ۲۰۱۸). پژوهشگران بسیاری بر این باورند که شخصیت، آثار قابل توجهی بر نتایج مهم در زندگی شخصی و کاری افراد باید داشته باشد. آگاهی از شخصیت افراد می‌تواند به مدیریت سازمان کمک کند تا افراد واجد شرایط را در پست‌های مختلف سازمان بگمارد که این کار به نوبه خود باعث خواهد شد جابه‌جایی کارکنان کاهش و رضایت شغلی آنان افزایش یابد. نتایج حاصل از بررسی خصوصیات شخصیتی افراد حاکی از آن است که رفتار افراد به منشأ و خصوصیات شخصیتی آن‌ها بستگی دارد، بنابراین ویژگی‌های شخصیتی افراد زمینه‌ساز رفتارهای آنان می‌باشد. شخصیت به‌عنوان سازمانی درون سیستم‌های عاطفی، احساسی شناختی و مفهومی فرد تعریف شده است که تعیین‌کننده واکنش‌های منحصر به فرد انسان به محیط است و به الگوی نسبتاً ثابت حالت‌های ثابت و رفتارهایی که بیانگر تمایلات فردی شخص می‌باشد، اشاره دارد. شخصیت متأثر است از عناصر درونی (افکار، ارزش‌ها و خصیصه‌های وراثتی) و عناصر بیرونی (رفتارهای قابل مشاهده) است. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته از ادبیات تحقیق، نشان داده شده است که از جمله عوامل اثرگذار بر شخصیت، مقوله هوش (هوش اخلاقی، هوش کلامی زبانی، هوش منطقی ریاضی، هوش برون‌فردی، هوش درون‌فردی، هوش هستی‌گرا، هوش طبیعت‌گرا، هوش موسیقایی)، بر ویژگی شخصیتی افراد است. نتایج تحقیقات گذشته حاکی از آن است که هوش بر ویژگی‌های شخصیتی اثر می‌گذارد (چن و همکاران، ۲۰۲۳). در ادامه به برخی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه اشاره می‌گردد.

با توجه به این که هر تحقیقی نیاز به شناخت پیشینه تحقیقات و بررسی نظرهای محققان قبلی دارد در این گفتار به مرور تعدادی تحقیقات انجام‌شده در سال‌های اخیر پرداخته شده است:

در تحقیقات خارجی چن و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود با عنوان چگونه ویژگی‌های شخصیتی و شک و تردید حرفه‌ای بر کیفیت حسابرسان تأثیر می‌گذارد؟ با استفاده مدل پنج‌عاملی شخصیت و مدل هارت نشان دادند که

1. Watson et al.
2. Cohen et al.
3. Rajpal et al.
4. Chen et al.

تأثیر تعدیل‌کننده ویژگی‌های شخصیتی «برون‌گرایی» بر رابطه «شک‌گرایی حرفه‌ای» با کیفیت حسابرسی معناداری است.

آسار و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان شواهدی مبنی بر همگن بودن ویژگی‌های شخصیتی در حرفه حسابرسی، با استفاده از مدل پنج‌عاملی، تجانس قابل توجهی از ویژگی‌های شخصیتی را برای حسابرسان در همان نوع شرکت یا سطح تجربه نشان می‌دهند. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که مؤسسه‌های حسابرسی علی‌رغم لغظاتی‌ها و ابتکارات اخیرشان تا حد زیادی در سطح شخصیت همگن باقی می‌مانند.

ماناپ و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان نقش اخلاق حسابرس به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده در رابطه بین مسئولیت‌پذیری حسابرس و کیفیت حسابرسی بیان کردند که کیفیت حسابرسی تحت تأثیر استقلال و پاسخ‌گویی است. علاوه بر این، اخلاق حسابرس می‌تواند تأثیر استقلال بر کیفیت حسابرسی را نیز کنترل کند. با این حال، تأثیر پاسخ‌گویی تأثیر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی ندارد.

ساماگیو و فلیچیو^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر شخصیت حسابرس در کیفیت حسابرسی با استفاده از نظریه شخصیت پنج‌عاملی نشان می‌دهند که ویژگی‌های توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و گشودگی به‌طور مثبت با شک حرفه‌ای حسابرسان مرتبط است، درحالی‌که وظیفه‌شناسی و روان‌رنجوری بر کاهش شیوه‌های کیفیت حسابرسی تأثیر منفی می‌گذارد.

عبدو و همکاران^۴ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان ارزیابی تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد کنترل داخلی درک‌شده شرکت حسابرسی لبنان نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی اعضای تیم حسابرسی نقش کلیدی در پرورش جو کنترلی ایفا می‌کند که برای کنترل مؤثرتر مساعدتر است. علاوه بر این، ویژگی‌های شخصیتی در تقویت اعتماد و گشودگی در ارتباطات، کلیدی بودند که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان مقدماتی برای داشتن سیستمی در نظر گرفت که در آن تمام متخصصان کلیدی حسابرسی در سازمان می‌توانند برای تقویت اثربخشی چارچوب کنترل داخلی همکاری کنند.

همچنین در تحقیقات داخلی **سواری و همکاران (۱۴۰۲)** در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر مؤلفه‌های تیپ‌های شخصیتی حسابرس بر عملکرد حرفه‌ای حسابرسان نشان دادند که تیپ‌های شخصیتی A و B حسابرس بر عملکرد حرفه‌ای حسابرسان مؤثر می‌باشد. اثر تیپ شخصیتی A نسبت به تیپ شخصیتی B بر روی عملکرد حرفه‌ای حسابرسان بیشتر می‌باشد. تیپ‌های شخصیتی پنج‌وجهی حسابرس بر عملکرد حرفه‌ای حسابرسان مؤثر می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که از میان تیپ‌های شخصیتی حسابرس (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، تعهد و سازگاری)، تنها این روان‌رنجوری است که بر عملکرد حرفه‌ای حسابرس اثر معنی‌دار می‌گذارد.

صلح‌خواه و سلیمانی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر گشودگی نسبت به پذیرش تجربه حسابرسان به عنوان یک ویژگی شخصیتی بر تعلیق قضاوت آن‌ها با تأکید بر نقش تعدیلگر هوش معنوی نشان دادند که گشودگی نسبت به پذیرش تجربه حسابرسان به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی بر تعلیق قضاوت آن‌ها تأثیر دارد. همچنین، نشان دادند که هوش معنوی حسابرسان بر ارتباط بین گشودگی به تجربه حسابرسان به عنوان یک ویژگی شخصیتی و تعلیق قضاوت آن‌ها تأثیر دارد.

1. Asare et al.
2. Manap et al.
3. Samagaio
4. Abdo et al.

نوشادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین هوش مالی مدیران و کیفیت حسابداری با نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حسابرسان بیان کردند که انتخاب حسابرسان با حسن شهرت، افزایش دوره تصدی حسابرسان، حسابرسان متخصص و وجود حسابرسان داخلی با هوش مالی مدیران ارتباط دارد و رفتار اخلاقی حسابرسان بر رابطه کیفیت حسابداری و هوش مالی مدیران تأثیر مثبتی دارد.

رضایی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان رابطه بین هوش‌های چندگانه و ویژگی‌های شخصیتی با رویکردهای یادگیری راهبردی، سطحی و عمقی دانشجویان نشان دادند که ویژگی شخصیتی وظیفه‌شناسی، هوش کلامی یا زبانی و هوش میان‌فردی (با ارزش بتای منفی) عامل‌های پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای رویکرد یادگیری راهبردی بودند. در پیش‌بینی رویکرد عمقی متغیرهایی نظیر هوش کلامی یا زبانی، پذیرا بودن نسبت به تجربه، هوش طبیعت‌گرایانه، وظیفه‌شناسی (با ارزش بتای مثبت) و هوش موسیقایی و برون‌گرایی (با ارزش بتای منفی) از لحاظ آماری معنی‌دار بودند.

فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اول: بین هوش طبیعت‌گرا حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین هوش موسیقایی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین هوش منطقی-ریاضی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.
- فرضیه چهارم: بین هوش هستی‌شناسی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.
- فرضیه پنجم: بین هوش میان‌فردی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.
- فرضیه ششم: بین هوش کلامی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.
- فرضیه هفتم: بین هوش درون‌فردی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.
- فرضیه فرعی هشتم: بین هوش اخلاقی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است تحقیق حاضر از نظر دسته‌بندی بر حسب هدف تحقیقی کاربردی است. جامعه آماری این تحقیق کلیه حسابداران رسمی شاغل در مؤسسه‌های حسابداری می‌باشد که بر اساس آخرین آمار جامعه حسابداران رسمی تعداد آن‌ها ۲۷۱۰ نفر است و بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۳۶ حسابرسان به پرسش‌نامه پاسخ دادند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی و داده‌ها به روش میدانی جمع‌آوری شدند. ابزار جمع‌آوری داده از پرسش‌نامه‌های چندگانه والتر مک کنزی^۱ (MII) شامل ۹۰ سؤال می‌باشد. پرسش‌نامه هوش‌های چندگانه، مؤلفه‌های هوش طبیعت‌گرا، هوش موسیقایی، هوش منطقی-ریاضی، هوش هستی‌شناسی، هوش میان‌فردی، هوش کلامی، هوش درون‌فردی و هوش اخلاقی را ارزیابی می‌نمایند و پرسش‌نامه پنج عاملی شخصیت شامل ۶۰ سؤال می‌باشد که برگرفته از تحقیق مک کریو کاستا^۲ (۱۹۹۱) است. مؤلفه‌های این پرسش‌نامه شامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن است که از طیف پنج‌گانه لیکرت در این تحقیق استفاده شده است. برای گردآوری اطلاعات و با استفاده از روایی صوری و نظر

1. MacKenzie
2. McCrae & Paul Costa

استادان و خبرگان در این حوزه روایی پرسش‌نامه تأیید شد. به‌منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه متغیرهای مختلف تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده، نتایج حاصل از میانگین آلفای کرونباخ برای سؤالات مربوط به هر متغیر ۰/۷۸۷ محاسبه شد. در این پژوهش برای بررسی روابط بین اجزای مدل از مدلیابی معادلات ساختاری و همچنین جهت تحلیل عاملی تأییدی از روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. در این تحقیق با مراجعه به سازمان حسابرسی کشور به صورت تصادفی ۳۳۶ نفر از حسابرسان و حسابدارها شناسایی شدند و پرسش‌نامه از طریق ایتا، ایمیل و تلگرام برای آن‌ها ارسال شد و در نهایت ۲۴۳ پرسش‌نامه برگشت داده شد. در این قسمت شرح مختصری از داده‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان ارائه شده است. در پژوهش حاضر محقق برای بررسی تحلیل توصیفی استفاده نموده است که در جدول (۱) به آن اشاره شده است.

جدول (۱). توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش

ردیف	تعداد	درصد فراوانی
۱	مرد	۱۸۵
	زن	۵۵
	جنسیت	۷۷/۱
۲	کاردانی	۰
	کارشناسی	۱۲۰
	کارشناسی ارشد	۱۱۶
	سطح تحصیلات	۴۸/۳
۳	دکتری	۴
	کمتر از ۵ سال	۸۸
	بین ۵ تا ۱۰ سال	۹۳
	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۱۵
	سابقه کار	۳۶/۷
۴	بیش از ۱۵ سال	۴۴
	کمک حسابرس	۷۰
	حسابرس	۶۴
	حسابرس ارشد	۵۱
	سمت	۲۱/۳
	سرپرست حسابرسی	۲۱
	مدیر حسابرسی	۳۰
۵	شریک مؤسسه	۴
	سازمان حسابرسی	۰
	مؤسسه حسابرسی	۱۷۳
	معلم بورس	۷۲/۱
	محل خدمت	۷۲/۹
	مؤسسه حسابرسی خصوصی	۶۷

یافته‌های پژوهش

آزمون نرمال‌سازی داده‌ها

در این پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای آزمون نرمال بودن داده‌ها استفاده شده است. اگر توزیع داده‌ها نرمال باشد می‌توان از آزمون‌های آماری استنباطی استفاده کرد. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها فرض صفر

مبتنی توزیع نرمال داده‌ها است. این آزمون در سطح خطای ۵٪ تست می‌شود. اگر مقدار معناداری بزرگ‌تر مساوی سطح خطای ۰/۰۵ به دست آید، دلیلی برای رد فرض صفر وجود نخواهد داشت.

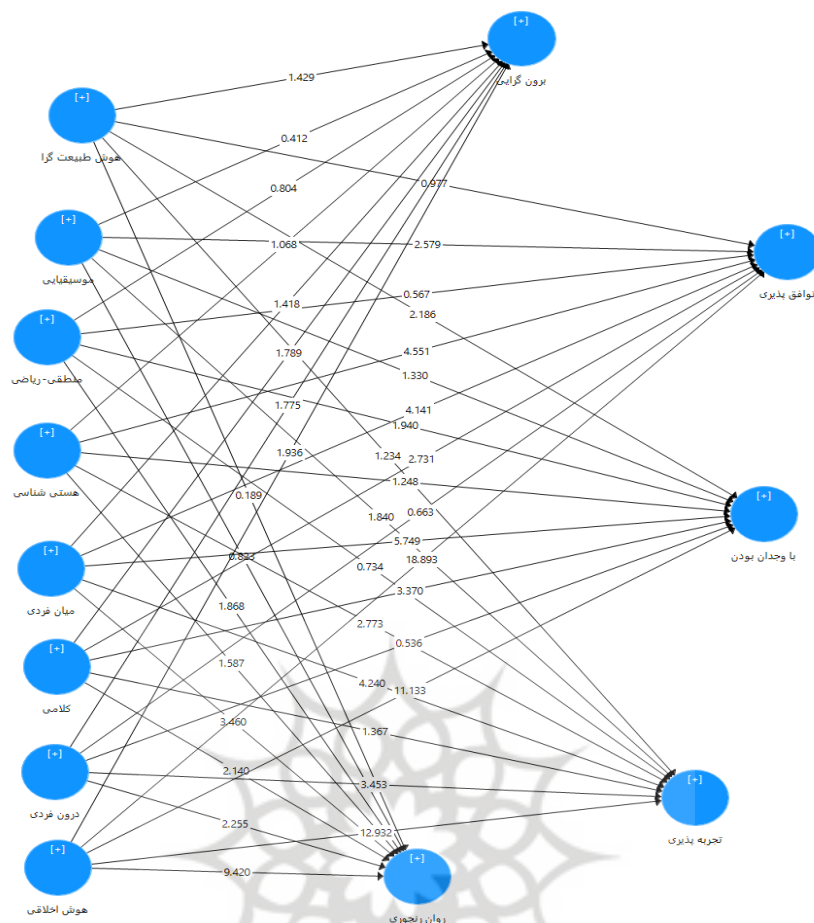
جدول (۲). کلموگروف اسمیرنف

مقیاس	شاخص‌های آماری	آماره	سطح معنی‌داری
	روان‌رنجوری	۰/۱۵۹	۰/۰۰۱
	برون‌گرایی	۰/۱۸۸	۰/۰۰۱
	تجربه‌پذیری	۰/۱۵۷	۰/۰۰۱
	توافق‌پذیری	۰/۱۵۲	۰/۰۰۱
	با وجدان بودن	۰/۱۱۱	۰/۰۰۱
	هوش طبیعت‌گرا	۰/۱۴۷	۰/۰۰۱
	هوش موسیقیایی	۰/۱۸۱	۰/۰۰۱
	هوش منطقی-ریاضی	۰/۱۴۰	۰/۰۰۱
	هوش هستی‌شناسی	۰/۱۱۲	۰/۰۰۱
	هوش میان‌فردی	۰/۱۱۰	۰/۰۰۱
	هوش کلامی	۰/۱۴۹	۰/۰۰۱
	هوش درون‌فردی	۰/۱۳۱	۰/۰۰۱
	هوش اخلاقی	۰/۱۵۶	۰/۰۰۱

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که هیچ یک از متغیرها نرمال نیستند.

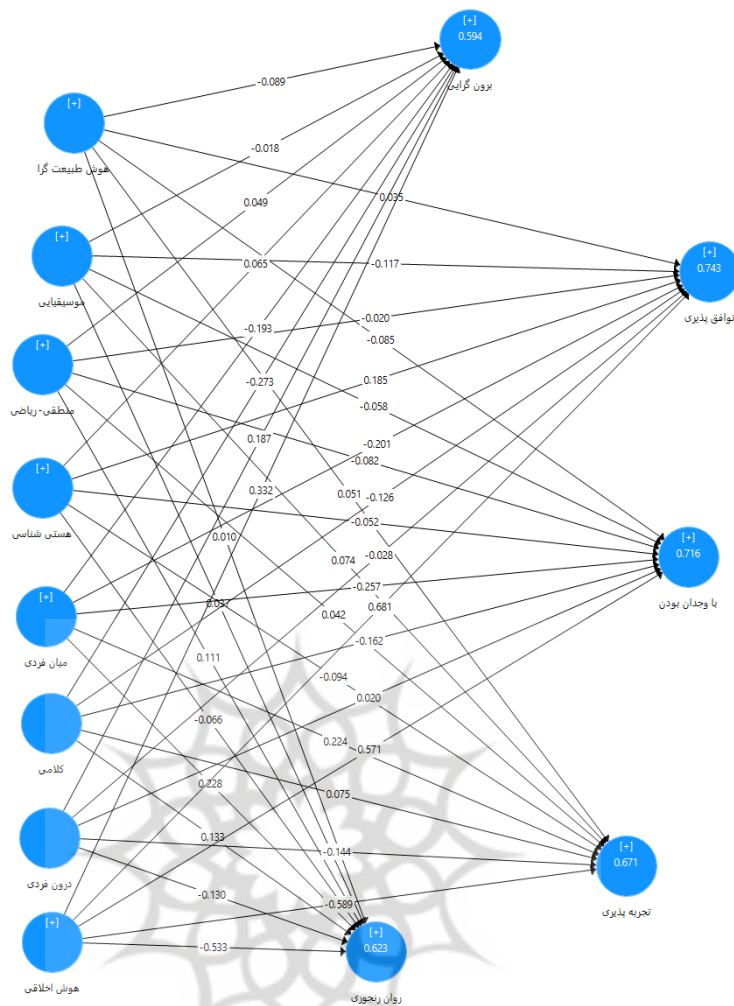
آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌ها از روش معادلات ساختاری بهره‌گیری شده و هر متغیر در سیستم مدل معادلات ساختاری هم به عنوان یک متغیر درون‌زا و هم یک متغیر برون‌زا می‌تواند در نظر گرفته شود. در نمودار یک ضرایب t را برای مدل اندازه‌گیری (ضرایب t برای سؤالات و متغیرهای مربوط به آن‌ها) و مدل ساختاری (ضرایب t برای مسیرهای مطرح‌شده در مدل در بین متغیرها) است که در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار(۱). مقدار آماره تی برای مدل ساختاری پژوهش

مدل نشان از معنی‌داری ارتباط بین متغیرهای مکنون دارد و در صورتی که ضریب t محاسبه‌شده در سطح خطای $0/05$ درصد در بازل بی معنی ($+1/96$ و $-1/96$) قرار نداشته باشد ارتباط معنی‌داری بین دو متغیر مکنون موجود است و نمودار (۲) ضرایب استاندارد را برای مدل اندازه‌گیری (ضرایب استاندارد برای سؤالات و متغیرهای مربوط به آنها) و مدل ساختاری (ضرایب مسیر برای مسیرهای مطرح‌شده در مدل در بین متغیرها) نشان می‌دهد.



نمودار (۲). مقدار استاندارد برای مدل ساختاری پژوهش

قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. بار عاملی در این شکل نشان داده شده است. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۵ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف‌نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ قابل قبول است و اگر بزرگ‌تر از ۰/۶ باشد خیلی مطلوب است.

فرضیه اول پژوهش به بررسی رابطه بین هوش طبیعت‌گرای حساب‌رسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها می‌پردازد و یافته‌ها در آن نشان می‌دهد که تأثیر هوش طبیعت‌گرا بر ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن معنی‌دار است. یعنی هوش طبیعت‌گرا بر ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن ($\beta=0.085$) تأثیر دارد. بر اساس ضریب تعیین ($R^2=0.07$) درصد واریانس هوش طبیعت‌گرا با ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن مشترک بوده است، لذا فرضیه اول مبنی بر این که هوش طبیعت‌گرا بر ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد. رابطه هوش طبیعت‌گرا با روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری معنی‌دار نیست.

فرضیه دوم پژوهش به بررسی رابطه بین هوش موسیقایی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها می‌پردازد و یافته‌ها در آن نشان می‌دهد که تأثیر هوش موسیقایی بر ویژگی‌های شخصیتی توافق‌پذیری معنی‌دار است؛ یعنی هوش موسیقایی بر ویژگی‌های شخصیتی توافق‌پذیری ($\beta=0/117$) تأثیر دارد. بر اساس ضریب تعیین (R_2) ۱/۴ درصد واریانس هوش موسیقایی با ویژگی‌های شخصیتی توافق‌پذیری مشترک بوده است؛ بنابراین فرضیه دوم مبنی بر این که هوش موسیقایی بر ویژگی‌های شخصیتی توافق‌پذیری و تجربه‌پذیری تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد. رابطه هوش موسیقایی با روان‌رنجوری، برون‌گرایی و باوجدان بودن معنی‌دار نیست.

فرضیه سوم پژوهش به بررسی رابطه بین هوش منطقی-ریاضی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها می‌پردازد و یافته‌ها در آن نشان می‌دهد که تأثیر هوش منطقی ریاضی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن معنی‌دار نیست؛ یعنی هوش منطقی ریاضی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن، ($\beta=0/111, 0/049, 0/042, -0/020, -0/082$) تأثیر ندارد. بر اساس ضریب تعیین (R_2) ۱/۲، ۰/۲، ۰/۲، ۰/۱، ۰/۷ درصد واریانس هوش منطقی ریاضی با ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن مشترک بوده است، بنابراین فرضیه سوم مبنی بر این که هوش منطقی ریاضی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید نمی‌گردد.

فرضیه چهارم پژوهش به بررسی رابطه بین هوش هستی‌شناسی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها می‌پردازد و یافته‌ها در آن نشان می‌دهد که تأثیر هوش هستی‌شناسی بر ویژگی‌های شخصیتی تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری معنی‌دار است؛ یعنی هوش هستی‌شناسی بر ویژگی‌های شخصیتی تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری ($\beta=0/094$ و $0/185$) تأثیر دارد. بر اساس ضریب تعیین (R_2) ۰/۹ و ۲/۸ درصد واریانس هوش هستی‌شناسی با ویژگی‌های شخصیتی تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری مشترک بوده است، لذا فرضیه چهارم مبنی بر این که هوش هستی‌شناسی بر ویژگی‌های شخصیتی تجربه‌پذیری و توافق‌پذیری تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد. رابطه هوش هستی‌شناسی با روان‌رنجوری، برون‌گرایی و باوجدان بودن معنی‌دار نیست.

فرضیه پنجم پژوهش به بررسی رابطه بین هوش میان‌فردی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها می‌پردازد و یافته‌ها در آن نشان می‌دهد که تأثیر هوش میان‌فردی بروی‌گویی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن معنی‌دار است؛ یعنی هوش میان‌فردی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن ($\beta=-0/228, 0/224, 0/201, 0/257$) تأثیر دارد. بر اساس ضریب تعیین (R_2) ۵/۲، ۵، ۴، ۶/۶ درصد واریانس هوش میان‌فردی با ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن مشترک بوده است، لذا فرضیه پنجم مبنی بر این که هوش میان‌فردی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد. رابطه هوش میان‌فردی با برون‌گرایی معنی‌دار نیست.

فرضیه ششم پژوهش به بررسی رابطه بین هوش کلامی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها می‌پردازد و یافته‌ها در آن نشان می‌دهد که تأثیر هوش کلامی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن معنی‌دار است؛ یعنی هوش کلامی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، توافق‌پذیری و باوجدان بودن ($\beta=-0/133, 0/126, 0/162$) تأثیر دارد. بر اساس ضریب تعیین (R_2) ۱/۸، ۱/۶، ۲/۶ درصد واریانس هوش کلامی با ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن مشترک بوده است و فرضیه ششم مبنی

بر این که هوش کلامی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، توافق‌پذیری و باوجدان تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد. رابطه هوش کلامی با برون‌گرایی و تجربه‌پذیری معنی‌دار نیست.

فرضیه هفتم پژوهش به بررسی رابطه بین هوش درون‌فردی حساب‌رسان و ویژگی‌های شخصیتی آن می‌پردازد و یافته‌ها در آن نشان می‌دهد که تأثیر هوش درون‌فردی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری معنی‌دار است؛ یعنی هوش درون‌فردی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری و توافق‌پذیری $(R_2) = 0.17$ ، 0.21 درصد واریانس هوش درون‌فردی با ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری مشترک بوده است و فرضیه هفتم مبنی بر این که هوش درون‌فردی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری و تجربه‌پذیری تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد. رابطه هوش درون‌فردی با برون‌گرایی، توافق‌پذیری و باوجدان بودن معنی‌دار نیست.

فرضیه هشتم پژوهش به بررسی رابطه بین هوش اخلاقی حساب‌رسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها می‌پردازد و یافته‌ها در آن نشان می‌دهد که تأثیر هوش اخلاقی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن معنی‌دار است؛ یعنی هوش اخلاقی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن $(R_2) = 0.571$ ، 0.681 ، 0.589 ، 0.533 تأثیر دارد. بر اساس ضریب تعیین $(R_2) = 0.28/4$ ، $0.34/7$ ، $0.46/6$ ، $0.23/6$ درصد واریانس هوش اخلاقی با ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری و باوجدان بودن مشترک بوده است و فرضیه هشتم مبنی بر این که هوش اخلاقی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد. رابطه هوش اخلاقی با برون‌گرایی معنی‌دار نیست.

در جدول (۴) نتایج کلی فرضیه‌ها پژوهش نشان داده شده است.

جدول (۴). نتایج فرضیه‌ها

نتیجه	ضریب استاندارد	ضریب تی	ویژگی‌های شخصیتی	ویژگی‌های شخصیتی	
رد	۰/۶۲۷	۰/۴۸۷	روان‌رنجوری	بین هوش طبیعت‌گرای حساب‌رسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.	فرضیه ۱
رد	۰/۱۳۰	۱/۵۱۵	برون‌گرایی		
رد	۰/۱۱۷	۱/۵۶۹	تجربه‌پذیری		
رد	۰/۳۲۴	۰/۹۸۸	توافق‌پذیری		
تأیید	۰/۰۲۰	۲/۳۲۸	باوجدان بودن		
رد	۰/۳۷۴	۰/۸۹۱	روان‌رنجوری	بین هوش موسیقایی حساب‌رسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.	فرضیه ۲
رد	۰/۶۰۲	۰/۵۲۲	برون‌گرایی		
تأیید	۰/۰۴۷	۱/۹۸۹	تجربه‌پذیری		
تأیید	۰/۰۰۹	۲/۶۳۵	توافق‌پذیری		
رد	۰/۱۳۶	۱/۴۹۴	باوجدان بودن		
تأیید	۰/۰۳۷	۲/۰۵۶	روان‌رنجوری	بین هوش منطقی-ریاضی حساب‌رسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.	فرضیه ۳
تأیید	۰/۰۱۲	۲/۵۳۱	برون‌گرایی		
تأیید	۰/۰۱۰	۲/۵۹۷	تجربه‌پذیری		
تأیید	۰/۰۰۹	۲/۷۴۱	توافق‌پذیری		
تأیید	۰/۰۰۵	۲/۸۳۷	باوجدان بودن		

رد	۰/۰۶۷	۱/۸۳۳	روان‌رنجوری	فرضیه ۴ بین هوش هستی‌شناسی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آنها ارتباط معنادار وجود دارد.
رد	۰/۲۵۷	۱/۱۳۵	برون‌گرایی	
تأیید	۰/۰۰۸	۲/۶۶۲	تجربه‌پذیری	
تأیید	۰/۰۰۱	۴/۵۴۲	توافق‌پذیری	
رد	۰/۲۵۳	۱/۱۴۵	باوجدان بودن	فرضیه ۵ بین هوش میان‌فردی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آنها ارتباط معنادار وجود دارد.
رد	۰/۱۶۴	۱/۲۸۴	برون‌گرایی	
تأیید	۰/۰۰۱	۳/۹۳۲	روان‌رنجوری	
تأیید	۰/۰۰۱	۴/۱۳۲	تجربه‌پذیری	
تأیید	۰/۰۰۱	۴/۴۵۱	توافق‌پذیری	فرضیه ۶ بین هوش کلامی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آنها ارتباط معنادار وجود دارد.
تأیید	۰/۰۰۱	۵/۵۹۶	باوجدان بودن	
تأیید	۰/۰۱۸	۲/۳۸۳	روان‌رنجوری	
تأیید	۰/۰۵۱	۲/۹۵۷	برون‌گرایی	
رد	۰/۱۴۷	۱/۴۵۱	تجربه‌پذیری	فرضیه ۷ بین هوش درون‌فردی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آنها ارتباط معنادار وجود دارد.
تأیید	۰/۰۰۳	۲/۹۶۹	توافق‌پذیری	
تأیید	۰/۰۰۱	۳/۷۲۹	باوجدان بودن	
تأیید	۰/۰۳۳	۲/۱۳۳	روان‌رنجوری	
رد	۰/۰۷۶	۱/۷۷۷	برون‌گرایی	فرضیه ۸ بین هوش اخلاقی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آنها ارتباط معنادار وجود دارد.
تأیید	۰/۰۰۱	۳/۴۵۰	تجربه‌پذیری	
رد	۰/۶۵۵	۰/۴۴۸	توافق‌پذیری	
رد	۰/۶۰۵	۰/۵۱۸	باوجدان بودن	
تأیید	۰/۰۰۱	۹/۵۹۷	روان‌رنجوری	
رد	۰/۰۷۴	۱/۷۹۳	برون‌گرایی	
تأیید	۰/۰۰۱	۱۳/۸۹۴	تجربه‌پذیری	
تأیید	۰/۰۰۱	۱۷/۷۲۹	توافق‌پذیری	
تأیید	۰/۰۰۱	۱۲/۱۸۷	باوجدان بودن	

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر هوش انسانی بر ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان است. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت هوش‌های چندگانه و ویژگی‌های شخصیتی همگی نقش مهمی در عملکرد حسابرسان دارند. حسابرسان برای انجام کار خود نیاز به هوش‌های مختلفی مانند هوش منطقی، هوش فضایی، هوش کلامی و ... دارند. هر کدام از این هوش‌ها به‌طور مستقیم با کار حسابرسی در ارتباط هستند. به‌عنوان مثال، هوش منطقی برای تحلیل و بررسی اطلاعات مالی و حسابرسی اسناد و مدارک مورد نیاز است. تئوری هوش‌های چندگانه نظریه‌ای است آموزشی که اولین بار هوارد گاردنر تنظیم و ارائه کرده است. بر طبق این نظریه، دیدگاه‌های روان‌سنجی سنتی نسبت به هوش، بسیار محدود و ضعیف است. گاردنر نظریه‌اش را نخستین بار در کتاب «قاب‌های ذهنی: نظریه هوش چندگانه»، در سال ۱۹۸۳ ارائه کرد. به عقیده او همه انسان‌ها دارای انواع مختلفی از هوش هستند. او در کتاب خود، هشت نوع مختلف هوش را معرفی کرده و احتمال داده است که نوع نهمی نیز به عنوان «هوش هستی‌گرا» وجود داشته باشد. طبق نظریه گاردنر، برای به‌دست آوردن تمام قابلیت‌ها و استعداد‌های یک فرد، نباید تنها به بررسی بهره

هوشی پرداخت بلکه انواع هوش‌های دیگر او مثل هوش موسیقایی، هوش درون‌فردی، هوش تصویری-فضایی و هوش کلامی- زبانی نیز باید در نظر گرفته شود. در راستای اهداف پژوهش هشت فرضیه مد نظر قرار گرفت.

فرضیه اول نشان داد که تأثیر هوش طبیعت‌گرا بر ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن معنی‌دار است. لذا فرضیه اول مبنی بر این که هوش طبیعت‌گرا بر ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد. رابطه هوش طبیعت‌گرا با روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری معنی‌دار نیست. افراد دارای این نوع هوش تقریباً شباهت‌هایی به افراد با هوش اجتماعی دارند؛ یعنی بیش‌تر وقت خود را در خارج از منزل می‌گذرانند و به محیط طبیعت اطراف خود توجه زیادی نشان می‌دهند. این افراد با طبیعت ارتباطی قوی برقرار می‌کنند و با عناصر طبیعی احساس یکپارچگی می‌کنند. از حضور در محیط‌های طبیعی نظیر جنگل، بیابان، دریا، رودخانه‌ها و ... انرژی می‌گیرند. بنابراین می‌توان گفت حسابرسانی که از هوش طبیعت‌گرای زیادی برخوردارند، معمولاً گوشه‌ای از طبیعت را به داخل منازلشان می‌آورند. مثلاً خانه‌هایشان پر از گل و گیاه می‌باشد و طبیعت را به خانه‌هایشان می‌آورند. و با توجه به نتایج این فرضیه و رابطه معنی‌داری هوش طبیعت‌گرای حسابرسان با باوجدان بودنشان نشان می‌دهد که حسابرسانی با هوش طبیعت‌گرا معمولاً دارای روحیه لطیف و هدف‌گذار هستند، برای آماده شدن در هر چیزی، وقت صرف می‌کنند (سریع واکنش نشان نمی‌دهند)؛ وظایف مهم را سریعاً انجام داده و تمام می‌کنند؛ به جزئیات توجه می‌کنند؛ از داشتن یک برنامه زمان‌بندی شده، لذت می‌برند.

فرضیه دوم بیانگر تأثیر معنی‌دار هوش موسیقایی بر ویژگی‌های شخصیتی توافق‌پذیری است. لذا فرضیه دوم مبنی بر این که هوش موسیقایی بر ویژگی‌های شخصیتی توافق‌پذیری تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد. رابطه هوش موسیقایی با روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری و باوجدان بودن معنی‌دار نیست. هوش موسیقایی یک استعداد ذاتی نیست بلکه افراد علاقه‌مند می‌توانند با تکنیک‌های مختلف آن را درون خود پرورش دهند. این هوش تنها مختص افرادی که در زمینه موسیقی فعالیت دارند نیست بلکه افرادی را هم که به این هنر زیبا علاقه دارند، شامل می‌شود. با موسیقی افراد می‌توانند به آرامش برسند و حس‌های خوبی را تجربه کنند. افرادی که هوش موسیقایی دارند در واقع این مهارت را درون خود کشف و به استعدادهای خود پی برده‌اند که می‌توانند در این زمینه موفق باشند. این افراد صداهای آهنگین را سریع‌تر از دیگران تشخیص می‌دهند. در طول تاریخ شخصیت‌های زیادی را مشاهده می‌کنید که هوش موسیقایی آن‌ها بیشتر از دیگران بوده است. ذهن این افراد با موسیقی هماهنگ شده بدین ترتیب احساسات مختص به خود را دارند. لذتی که این افراد از موسیقی و شنیدن آن می‌برند افراد دیگر به هیچ‌وجه آن را تجربه نمی‌کنند. این هوش در انسان‌های عادی هم زیاد به چشم می‌خورد. حسابرسانی با هوش موسیقایی تمایل دارند هنگام کار آهنگ ملایم پخش شود تا عملکرد خوبی داشته باشند. در این پژوهش هوش موسیقایی حسابرسان بر ویژگی توافق‌پذیر بودن تأثیر معنی‌دار دارد. طبق نتایج این فرضیه حسابرسانی که از هوش موسیقایی برخوردارند دارای شخصیت توافق‌پذیر هستند؛ یعنی به خوبی با بقیه همکاری و مشارکت می‌کنند و حاضرند در مواقع مشخص از نیازهای خودشان کوتاه بیایند و اغلب مصلحت جمع را قربانی خواسته‌های خودشان می‌کنند و دوست دارند برای خوشحالی بقیه کاری کنند و در صورت لزوم به دیگران کمک کنند.

فرضیه سوم نشان داد که تأثیر هوش منطقی ریاضی بر ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری، باوجدان بودن) معنی‌دار است، لذا فرضیه سوم مبنی بر این که هوش منطقی ریاضی بر ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری، باوجدان بودن) تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد افراد با هوش منطقی ریاضی در محیط‌هایی که سازمان‌یافته و ساختارمند باشد بهتر فعالیت می‌کنند. آن‌ها

دوست دارند با آمار و اعداد سر و کار داشته باشند و مطالعات آماری را به مطالعهٔ رمان و کتاب‌های داستانی ترجیح می‌دهند. افراد با هوش منطقی ریاضی فراوان را در اکثر اوقات می‌توانید در حال کشیدن طرح‌های کامپیوتری، بازی شطرنج، تعمیر و ساخت قطعات، کار با کامپیوتر به هر نحوی و... ببینید. کسانی که هوش منطقی ریاضی فراوانی داشته باشند در برخی مشاغل می‌توانند موفق‌تر باشند و حسابرسان و حسابداران جزئی از این دسته هستند. حسابرسان با هوش منطقی ریاضی به دلیل سر و کار داشتن با اعداد و ارقام علاقهٔ زیادی به این شغل دارند. بنابراین طبق نتایج این فرضیه بین هوش منطقی ریاضی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیهٔ چهارم نیز نشان داد که تأثیر هوش هستی‌شناسی بر ویژگی‌های شخصیتی تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری معنی‌دار است. لذا فرضیهٔ چهارم مبنی بر این که هوش هستی‌شناسی بر ویژگی‌های شخصیتی (تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری) تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد. اما رابطهٔ هوش هستی‌شناسی با روان‌رنجوری، برون‌گرایی، باوجدان بودن معنی‌دار نیست هوش وجودی یا هستی‌گرا در نظریهٔ هوش گاردنر بیشتر به مسائل ماورایی اشاره دارد. بنابراین حسابرسانی که ضریب بالایی از هوش وجودی را دارند به دنبال درک هستی و فلسفهٔ وجود مسائل پیچیده از قبیل خدا، جهان هستی و پیدایش حیات هستند. بنابراین طبق نتایج این فرضیهٔ حسابرسان با هوش هستی‌شناسی دارای شخصیت تجربه‌پذیر و توافق‌پذیر هستند؛ یعنی کنجکاو، نوآور، ماجراجو و به دنبال کشف مسائل جدید هستند و نیز رفتار دوستانه و صمیمی دارند.

در فرضیهٔ پنجم تأثیر هوش میان‌فردی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری، باوجدان بودن تأیید شد، اما با برون‌گرایی تأیید نشد. بنابراین می‌توان گفت حسابرسان با هوش میان‌فردی توانایی برقرار کردن ارتباط مؤثر با سایر افراد و درک افکار، مقصود و احساسات دیگران را دارند و بدون هوش میان‌فردی نمی‌توانند پاسخ مناسبی به رفتارهای دیگران بدهند. حسابرسانی که هوش میان‌فردی فراوانی نسبت به احساسات و تغییر حالت‌های دیگران حساس هستند. آن‌ها دارای مهارت همکاری با سایر افراد در یک گروه هستند و هم‌گروهی‌های خود را به خوبی درک می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت بین هوش میان‌فردی حسابرسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.

در فرضیهٔ ششم تأثیر هوش کلامی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، توافق‌پذیری، باوجدان بودن و برون‌گرایی تأیید گردید؛ لذا فرضیهٔ ششم مبنی بر این که هوش کلامی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، توافق‌پذیری، باوجدان بودن و برون‌گرایی تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد، اما رابطهٔ هوش کلامی با تجربه‌پذیری معنی‌دار نیست. هوش کلامی به حسابرسان این قابلیت را می‌دهد تا با کلمات به خوبی فکر کنند و از زبان خود برای توضیح و تشریح مفاهیم پیچیده استفاده کنند. هوش زبان‌شناختی به آن‌ها کمک می‌کند تا کلام دیگران را درک کنند و مهارت‌های زبانی خود را به درستی به کار ببرند. حسابرسانی که دارای هوش کلامی و شخصیت روان‌رنجوری هستند، اگر در شخصیت خود نشانه‌های بدخلقی، بی‌ثباتی و ناراحتی داشته باشند نمی‌توانند به خوبی از هوش کلامی خود استفاده کنند. حسابرسانی که از هوش کلامی بیشتری برخوردارند معمولاً در زندگی شخصی و اجتماعی خود نسبت به دیگران موفق‌ترند.

فرضیهٔ هفتم نیز نشان داد که تأثیر هوش درون‌فردی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری معنی‌دار است، لذا فرضیهٔ هفتم مبنی بر این که هوش درون‌فردی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری تأثیر معنی‌داری دارد، تأیید می‌گردد، اما رابطهٔ هوش درون‌فردی با برون‌گرایی، توافق‌پذیری، باوجدان بودن معنی‌دار نبود. حسابرسان با هوش درون‌فردی فراوان، انگیزهٔ بسیار زیاد و ارادهٔ خوبی دارند و برای رسیدن به اهدافشان مصمم

هستند. آن‌ها دوست دارند دانش خود را در زندگی روزمره‌شان به کار بگیرند. آن‌ها به خوبی می‌توانند با تنهایی کنار بیایند و از این بابت مشکلی ندارند. حساب‌برسان با هوش درون‌فردی زیاد شهود قوی دارند و به ندای درون خود گوش می‌دهند. به نقاط قوت خود واقف هستند اما از آنجایی که افرادی فروتن هستند خوشحالی خود را از این بابت ابراز نمی‌کنند. اعتماد به نفس آن‌ها زیاد است و مستقل و خودکفا هستند. بنابراین می‌توان گفت بین هوش درون‌فردی حساب‌برسان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.

در نهایت در فرضیه هشتم تأثیر هوش اخلاقی بر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری، باوجدان بودن تأیید شد، اما رابطه هوش اخلاقی با برون‌گرایی معنی‌دار نبود. رسوایی‌های مالی اخیر در کشورهای پیشرفته و به تبع آن کشورهای در حال توسعه که بیانگر نقض ضوابط اخلاقی است اهمیت جایگاه اخلاقی حساب‌برسان را بیش از پیش آشکار نموده است. حساب‌برسان علاوه بر تبحر در فعالیت حرفه‌ای خود باید به مسئولیت‌های اخلاقی خود نیز توجه نمایند. یکی از جنبه‌های مهم هوش اخلاقی است که می‌تواند بر عملکرد حساب‌برسان تأثیر گذار باشد اخلاق در همه زمینه‌هایی که در منافع عمومی تأثیرگذار است و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی دسترسی مستقیم به اطلاعات نداشته و باید بر رفتار حرفه‌ای و اخلاقی دیگران قضاوت نمایند مهم است از جمله حساب‌رسی و خدمات اطمینان‌بخشی حرفه‌ای و از این رو نتایج پژوهش حاضر می‌تواند مفید واقع گردد. یافته‌های این پژوهش نشان داد بین هوش اخلاقی و شخصیت حساب‌برسان رابطه معنی‌داری وجود دارد. بنابراین هرچه حساب‌برسان از هوش اخلاقی بیشتری برخوردار باشند، عملکرد بهتری خواهند داشت.

نتایج این پژوهش با پژوهش‌های رضایی و همکاران (۱۳۹۱) که نشان دادند ویژگی شخصیتی وظیفه‌شناسی، هوش کلامی یا زبانی و هوش میان‌فردی (با ارزش بتای منفی) عامل‌های پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای رویکرد یادگیری راهبردی بودند. همچنین مطالعات مشابهی در پژوهش‌های خود نشان دادند که گشودگی نسبت به پذیرش تجربه حساب‌برسان به عنوان یک ویژگی شخصیتی بر تعلیق قضاوت آن‌ها تأثیر دارد. همچنین، نشان داد که هوش معنوی حساب‌برسان بر ارتباط بین گشودگی به تجربه حساب‌برسان به عنوان یک ویژگی شخصیتی و تعلیق قضاوت آن‌ها تأثیر دارد و نیز عبدو (۲۰۲۲) بیان کرد که ویژگی‌های شخصیتی اعضای تیم حساب‌رسی نقش کلیدی در پرورش جو کنترلی ایفا می‌کند که برای کنترل مؤثرتر مساعدتر است. علاوه بر این، ویژگی‌های شخصیتی در تقویت اعتماد و گشودگی در ارتباطات، کلیدی بودند که می‌توان آن‌ها را به عنوان مقدماتی برای داشتن سیستمی در نظر گرفت که در آن تمام متخصصان کلیدی حساب‌رسی در سازمان می‌توانند برای تقویت اثربخشی چارچوب کنترل داخلی همکاری کنند، همراستا می‌باشد.

با توجه به اهداف پژوهش پیشنهادی زیر ارائه می‌شود:

- در گزینش حساب‌برسان، علاوه بر آشنایی آنان با استانداردهای حسابداری و حساب‌رسی، ویژگی‌های شخصیتی و هوشی آنان را نیز مدنظر قرار دهند.

- به مدیران حساب‌رسی در سطح مؤسسه‌های پیشنهاد می‌گردد جهت پرورش هرچه بیشتر مهارت‌های هوشی حساب‌برسان خود با تشکیل و فعال‌سازی حلقه‌های انتقال تجربه و مهارت به دو صورت متشکل از افراد داوطلب یا افراد منتخب مبادرت ورزند.

- سازمان حساب‌رسی با برگزاری دوره‌های آموزشی، سمینارها و کنفرانس‌های روان‌شناسی کار، در جهت تقویت مهارت‌های هوش در میان حساب‌برسان در تمامی سطوح کاری گامی اساسی برداشته، صرفاً به بهبود مهارت‌های فنی و

حرفه‌ای آنان در سطح مؤسسه‌های حسابرسی اکتفا نمایند. بدیهی است بهره‌های هوشی فراوان می‌تواند در روند عملکرد حسابرسان در محیط سیستم‌های گزارشگری نیز بسیار مؤثر باشد.

- به منظور ارتقای عملکرد شغلی حسابرسان لازم است که دوره‌های آموزشی بدو و ضمن خدمت در راستای توسعه مهارت‌های هوشی توسط جامعه حسابداران رسمی ایران در بین مؤسسه‌های حسابرسی با همکاری نهادهای حرفه‌ای و آموزشی برگزار گردد.

- مؤسسه‌های حسابرسی در جهت کاهش آثار منفی مشکلات ذهنی حسابرسان بر شیوه عمل آن‌ها، از طریق آموزش‌های مناسب به حسابرسان این مشکل را تا حد امکان رفع نمایند.

- پژوهش جاری محدودیت‌هایی را در مقابل داشت که نیاز است تا در پژوهش‌های آینده مورد توجه محققان قرار گرفته و برای برطرف ساختن آن‌ها چاره‌اندیشی لازم صورت گیرد.

- ممکن است نتایج پژوهش در جوامع آماری دیگر، متفاوت باشد لذا تعمیم نتایج به سایر سازمان‌ها و شرکت‌ها باید با احتیاط صورت گیرد.

- هرکدام از متغیرهای پژوهش تحت تأثیر شاخص‌های متعددی می‌باشند اما با توجه به شرایط زمانی محقق، کنترل شاخص‌ها امکان‌پذیر نبود.

- مهم‌ترین محدودیت‌هایی را که محقق در پژوهش حاضر با آن مواجه شده است می‌توان کار میدانی عنوان نمود که در امر توزیع پرسش‌نامه‌ها، محقق با صرف زمان بسیار، با دشواری مواجه بوده است.

References

- Abdo, M., Feghali, K., & Zgheib, M. A. (2022). The role of emotional intelligence and personality on the overall internal control effectiveness: applied on internal audit team member's behavior in Lebanese companies. *Asian Journal of Accounting Research*, 7(2), 195-207.
- ALbawwat, I. E., AL-HAJAIA, M. E., & AL FRIJAT, Y. S. (2021). The Relationship Between Internal Auditors' Personality Traits, Internal Audit Effectiveness, and Financial Reporting Quality: Empirical Evidence from Jordan. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(4), 797-808.
- Asare, S. K., van Brenk, H., & Demek, K. C. (2023). Evidence on the homogeneity of personality traits within the auditing profession. *Critical Perspectives on Accounting*, 102584.
- Chen, Y. H., Wang, K. J., & Liu, S. H. (2023). How Personality Traits and Professional Skepticism Affect Auditor Quality? A Quantitative Model. *Sustainability*, 15(2), 1547.
- Cohen, J. R., Krishnamoorthy, G., Peytcheva, M., & Wright, A. M. (2013). How does the strength of the financial regulatory regime influence auditors' judgments to constrain aggressive reporting in a principles-based versus rules-based accounting environment?. *Accounting Horizons*, 27(3), 579-601.
- Gardner, H. E. (2011). *Frames of mind: The theory of multiple intelligences*: Basic books.
- Indria, A. (2020). Multiple intelligence. *Jurnal Kajian Dan Pengembangan Umat*, 3(1).
- Kern, F., Rogge, K. S., & Howlett, M. (2019). Policy mixes for sustainability transitions: New approaches and insights through bridging innovation and policy studies. *Research Policy*, 48(10), 103832
- Mahdavi Zafarghandi, A., & Amini, S. (2019). The relationship between multiple intelligences and vocabulary learning strategies of intermediate EFL learners. *Iranian Journal of English for Academic Purposes*, 8(3), 65-76.
- Manap, A., Sasmiyati, R. Y., Edy, N., Buana, L. S. A., & Rachmad, Y. E. (2023). The Role of Auditor Ethics as Moderating Variable in Relationship Between Auditor Accountability and Quality of the Audit. *Jurnal EMT KITA*, 7(2), 382-388.

- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1987). Validation of the five-factor model of personality across instruments and observers. *Journal of personality and social psychology*, 52(1), 81.
- Meyer, J., Jansen, T., Hübner, N., & Lüdtke, O. (2023). Disentangling the association between the Big Five personality traits and student achievement: Meta-analytic evidence on the role of domain specificity and achievement measures. *Educational Psychology Review*, 35(1), 12.
- Noshadi, A., Mohammadi Malqarani, A., Norvesh, I., & Amini, P. (2019). The Relationship between Financial Intelligence of Managers and Audit Quality with Moderating Role of Auditors' Ethical Behavior. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 8(30), 237-264. (In Persian)
- Rajpal, H., & Jain, P. (2018). Auditor's Characteristics and Earnings Management in India. *Accounting and Finance Research*, 7(4), 1-43.
- Rezaei, A., Mesrabadi, J., & Mohamadzadeh, A. (2012). The Relationship Between Multiple Intelligence And Personality Characteristics With Students' surface And Deep Strategic Learning Procedures. (In Persian)
- Salahkhah, T. & Soleimani, I. (2023). Investigating the effect of openness towards the acceptance of auditors' experience as a personality trait on the suspension of their judgment with an emphasis on the moderating role of spiritual intelligence. *published in the 9th scientific research conference on the development and promotion of management and accounting sciences in Iran*. (In Persian)
- Samagaio, A., & Felício, T. (2022). The influence of the auditor's personality in audit quality. *Journal of Business Research*, 141, 794-807.
- Savari, S., Amiri, H., & Khodamoradi, M. (2023). Evaluating the effect of auditor personality types on auditors' professional performance. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 12(45), 427-446. (In Persian)
- Smith, M. M., Sherry, S. B., Vidovic, V., Saklofske, D. H., Stoeber, J., & Benoit, A. (2019). Perfectionism and the five-factor model of personality: A meta-analytic review. *Personality and Social Psychology Review*, 23(4), 367-390.
- Watson, D., Nus, E., & Wu, K. D. (2019). Development and Validation of the Faceted Inventory of the Five-Factor Model (FI-FFM). *Assessment*, 26(1), 17-44. doi: 10.1177/1073191117711022
- Wulansari, R. E., Sakti, R. H., Ambiyar, A., Giatman, M., Syah, N., & Wakhinuddin, W. (2022). Expert system for career early determination based on Howard Gardner's multiple intelligence. *Journal of Applied Engineering and Technological Science (JAETS)*, 3(2), 67-76.
- Zarei, E., Karami Boldaji, R., Heydari, H., Hossein Khanzadeh, A., & Baharloo, G. (2014). Prediction of the five-factor personality traits of students based on adult attachment styles. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 4(1), 167-180.
- Zisman, C., & Ganzach, Y. (2023). Occupational intelligence as a measure of occupational complexity. *Personality and Individual Differences*, 203, 112005.